

بررسی فقهی حقوقی مقابله با قاچاق زنان با نگاهی به اسناد بین المللی

سعید عطا زاده^۱

چکیده

قاچاق زنان در جوامع امروزی، شکل منظم و سازمان یافته به خود گرفته و جهانی شده است. فرایند جهانی شدن از یک طرف و افزایش مشتریان خاص زنان قاچاق شده و گسترش فقر و شرایط اقتصادی از عوامل تأثیرگذاری است که ارتباط قاچاق و تجارت زنان را با فحشا و فساد امری غیر قابل انکار می نماید و کرامت انسانی، سلامت اخلاقی و شخصیت زن را در معرض خطر جدی قرار می دهد. در نتیجه، این بزه آثار و پیامدهای شوم و زیانبار اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی قابل توجهی در جامعه بر جای می گذارد. این پژوهش با رویکرد تطبیقی، مبانی فقهی و حقوقی (قوانین و مقررات داخلی) و اسناد بین المللی مبارزه با این پدیده را بررسی می کند. به دنبال تحولات بین المللی، پروتکل راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، الحاقی به کنوانسیون پالرمو سال ۲۰۰۰، به تصویب اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در این میان، ارائه گزارش هایی مبنی بر قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای همسایه، سبب شد تا قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ به سرعت به تصویب برسد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که قانونگذار ایران صرفاً به اتخاذ تدابیر کیفری اکتفا کرده و از تدابیر پیشگیرانه و حمایتی و حتی اتخاذ سیاست جنایی متناسب غفلت ورزیده است؛ در صورتی که اسناد بین المللی مقابله با قاچاق زنان، علاوه بر جرم انگاری و برخورد کیفری با این پدیده به پیش بینی تدابیر غیرکیفری نیز توجه داشته است.

واژگان کلیدی: قاچاق زنان، فحشا، سیاست کیفری، محاربه، افساد فی الارض



مقدمه

قانون مبارزه با قاچاق انسان و بسیاری از اسناد بین‌المللی موجود، قاچاق انسان را جزء جرائم فراملی قلمداد کرده است. از سوی دیگر، جهانی شدن اقتصاد و امکان ایجاد شبکه‌های جهانی، فرصت مناسبی را برای ارتکاب جرم توسط مجرمین بین‌المللی فراهم کرده است. عوامل متعددی در افزایش و گسترش قاچاق انسان در دهه‌های اخیر مؤثر بوده‌اند. افزایش تورسم جنسی، فقر اقتصادی و فرهنگی، سود سرشار حاصل از فعالیت‌های قاچاق (السان، ۱۳۸۴: ۳۴۹-۳۴۳)، حاکمیت فرهنگ خشونت، تبعیض‌های اجتماعی ناروا، فقدان مدارک هویت (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۲-۸)، نبود امنیت چه در سطح خانواده و چه در سطح ملی (به شکل منازعات مسلحانه داخلی)، بحران در نظام ارزش‌ها و اخلاقیات، و عدم وجود قوانین مناسب و کارآمد برای برخورد با قاچاقچیان (موثقی و اسفندیاری، ۱۳۸۷: ۲۹۴-۲۹۲) از مهم‌ترین عوامل افزایش قاچاق انسان به‌ویژه قاچاق زنان و دختران است.

در سطح جهانی، قاچاق زنان به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین موارد نقض حقوق بشر شناخته شده است (Cole, 2009 and National Research Council Staff, 1966)؛ زیرا جنایتی وحشتناک، اجحاف و ناعدالتی آشکار در حقوق انسانی است. قاچاق زنان به‌عنوان یکی از اقسام برده‌داری و فی‌الواقع برده‌داری به شکل نوین آن به شمار می‌آید (Herzog, 2008: 111) و از جمله جرائمی است که در نتیجه پیشرفت علم و تکنولوژی و به دنبال باز شدن مرزها و سهولت گذر از آن در سطحی گسترده و توسعه یافته صورت می‌گیرد. با آن که حاصل چهار قرن برده‌داری و بردگی، گرفتن یازده و نیم میلیون نفر بوده، حاصل تنها یک دهه اعمال سازمان‌های مجرمانه بین‌المللی قاچاق انسان، حدود سی میلیون نفر زن و کودک بوده است. به دلیل آزادی‌های بعضاً غیرمعمول که در نتیجه نهضت‌های فمینیستی محقق گردیده و سوءاستفاده استثمارگران از یک‌طرف، و نیازی که کافه‌های شبانه، بارها، مراکز فحشا و فساد و امثال آن به روسپی‌ها و کارگران خاص دارند، از طرف دیگر، بازار خرید و فروش این قربانیان آن‌چنان پر رونق است که براساس برخی آمارها پس از تجارت مواد مخدر و سلاح، بالاترین جایگاه را در تجارت‌های غیر قانونی به خود اختصاص داده است.^۱ از آن‌جا که قربانی





این چنین جرائمی «انسان» و «کرامت وی» است، چنین تجارت و نقل و انتقالی حتی اگر با رضایت این قربانیان باشد، عنوان برده‌داری یا برده‌فروشی را به خود می‌گیرد. به این علت که غالباً قربانیان این جرائم امروزه سفید پوستان هستند و یا به دلیل این که به ظاهر این بردگان از یک نوع آزادی برخوردارند یا با اراده و اختیار به امور محول، مثل فاحشگی و خودفروشی و امثال آن مشغول می‌شوند، از آن به عنوان «بردگی سفید»^۱ یاد می‌شود.

تحقیقات متعددی اخیراً در حوزه‌های قاچاق انسان و زنان صورت گرفته است؛ به طوری که علی‌پور (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی وضعیت قاچاق انسان در ایران (معضلات و پیامدها) و ارائه راهکارهای مناسب برای کنترل این پدیده اجتماعی» به این نتیجه می‌رسد که زنان و دختران تقریباً قربانیان همیشگی قاچاق انسان هستند و به دنبال آن مردان و پسران در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نکته مهم این که حجم کمی از قاچاق انسان شناسایی و قابل پیگیری است که این وضعیت در عوامل آشکار و پنهان این پدیده جستجو می‌شود. قربانیان قاچاق که اکثر آن‌ها زنان و کودکان هستند، به وسیله زور، فریب یا ارعاب ناچار می‌شوند به شرایط غیرانسانی تن بدهند و بدون توجه به شکل بی‌رحمانه بردگی، در ترس و درماندگی زندگی کنند. بردگی داخلی و کار اجباری، از جمله شکل‌های بهره‌کشی از انسان است؛ اما اکثر قربانیان به بردگی جنسی کشانده می‌شوند.

کلاتری و زارعی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «قاچاق زنان به قصد فحشا (از منظر فقه جزایی و حقوق کیفری)» ضمن تبیین مفهوم و ویژگی‌های قاچاق زنان به بررسی این موضوع می‌پردازند که قاچاق زنان برای عمل فحشا مصداق کدام یک از وصف‌های مجرمانه کیفری در فقه جزایی اسلام، مانند قوادی، خرید و فروش انسان و محاربه و افساد فی الارض است و در ادامه، مقررات و اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌های موجود در خصوص قاچاق زنان و قوانین داخلی کشورمان را در خصوص موضوع مورد بررسی قرار می‌دهند.

علاوه بر این، عالی‌پور (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «قاچاق زنان، بزه‌ی بر ضد کرامت زنان» به این نتیجه می‌رسد که قاچاق زنان به عنوان یک بزه در ایران، سابقه طولانی قانونی ندارد و جای پای آن را باید در قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ یافت. با این حال، این بزه با دو چالش رو به‌رو است، یکی کم رنگ بودن سرزنش اخلاقی و دیگری تن دادن خودخواسته زن بزه‌دیده به قاچاق شدن. رضایت بزه‌دیده به قاچاق، سبب می‌شود تا هم جامعه و هم مرتکبان، قاچاق را رفتار سرزنش‌پذیری ندانند و از آن‌جا که قاچاق بیش‌تر در کشورهایی که فضای امنیتی یا شرایط بد اقتصادی دارند، رخ





می‌دهد، به گونه‌ای رهایی برای قاچاق شده به شمار می‌رود. بنابراین، سرکوب کیفری قاچاق به‌ویژه با ضمانت اجراهای سنگین هرچند ضروری است، ولی از میان برداشتن پدیده قاچاق زنان در گرو فراهم ساختن امکانات رفاهی همه‌جانبه و قوانین پیشگیری و پیگیری است.

نگارنده با مطالعه پیرامون مباحث نظری و مرور پیشینه‌های تحقیقات قبلی به این نتیجه رسید که پژوهش‌های دیگری نیز در این حوزه‌ها صورت گرفته که مجال تبیین آن‌ها در این پژوهش نیست؛ اما آنچه پژوهش حاضر را با پژوهش‌های قبلی متفاوت‌تر می‌نماید یا به نوعی به نوآوری این پژوهش ارتباط پیدا می‌کند پرداختن به موضوع «مبارزه با قاچاق زنان و دختران» از دیدگاه فقه و حقوق و با نگاهی به اسناد بین‌المللی است که در پژوهش‌های قبلی به این موضوع کم‌تر پرداخته شده است.

بنابراین، نگارنده معتقد است تهدیدهایی که این جرم به دلیل ماهیت سازمان‌یافته و فراملی خود در سطح جهانی داشته است، سبب شده تا علاوه بر مبانی فقهی و حقوقی (قوانین داخلی، اسناد و تدابیر بین‌المللی) نیز برای مقابله با آن اتخاذ گردد.

در این پژوهش نگارنده درصدد است ضمن بررسی ابعاد قاچاق زنان، به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- سیاست کیفری ایران در مقابله با این جرم در مقایسه با اسناد بین‌المللی چیست؟
- قانونگذار ایرانی در قوانین داخلی برای مبارزه با پدیده قاچاق زنان چه تدابیری اتخاذ کرده‌اند؟
- این جرم در منابع فقهی ما چه جایگاهی دارد و چه تدابیر کیفری برای آن در نظر گرفته شده است؟

لازم به ذکر است که در ارتباط با پرسش‌های پژوهش، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۲۸ تیرماه ۱۳۸۳ واکنش کیفری و مصداق محاربه و افساد فی الارض را ممکن دانسته و بر سیاست کیفری مقابله با این جرم در اسناد بین‌المللی در کنار واکنش کیفری به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و حمایت از زنان قاچاق شده تأکید می‌کند. همچنین در رویکرد حمایت‌گرایانه نیز اقدامات کیفری برای مجازات قاچاقچیان را راهکار صرف برای مبارزه با این پدیده ندانسته، بلکه اقدامات حمایتی از زنان قربانی و اتخاذ تدابیر لازم برای رهایی آنان از فحشا و فساد و برده‌داری را امر ضروری می‌داند. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که آیا قوانین داخلی به‌ویژه قانون مبارزه با قاچاق انسان، علاوه بر رویکرد قانونی در جرم‌انگاری این پدیده سازمان‌یافته، جایگاهی برای پیشگیری و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه قائل شده‌اند؟ از سوی دیگر، منابع معتبر فقهی در مبارزه و پیشگیری با این معضل چه رویکردی اتخاذ کرده‌اند؟





نگارنده بر آن است تا در مبانی نظری و یافته‌های این پژوهش در مقام پاسخگویی به این دسته از پرسش‌ها برآید و در نهایت در صورت اقتضا، پیشنهادها و راهکارهای لازم را ارائه کند.

۱. ادبیات نظری تحقیق

۱-۱ مفهوم قاچاق زنان

در رابطه با مفهوم قاچاق زنان، تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ ولی طبق بند «الف» ماده ۳ پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو راجع به «پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسان‌ها به‌ویژه زنان و کودکان» که در سال ۲۰۰۰ به منظور تکمیل «کنوانسیون سازمان ملل متحد» که پیرامون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (مشهور به کنوانسیون پالمو) تصویب شده است، در تعریف قاچاق انسان چنین مقرر شد:

قاچاق انسان عبارت است از عضوگیری، جابه‌جایی، انتقال، و پناه دادن به اشخاص جذب شده، با توسل به تهدید یا زور یا هر وسیله دیگر، از طریق ربایش، فریب، خدعه، سوءاستفاده از آسیب‌پذیری (بزه‌دیده) یا از طریق پرداخت پول یا هر امتیاز مالی برای جلب رضایت شخصی که اختیار دیگری با او است، به قصد بهره‌کشی، و بهره‌کشی شامل حداقل سوءاستفاده برای روسپی‌گری یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمت اجباری، بردگی یا اعمال مشابه آن، بندگی یا برداشت اعضای بدن خواهد بود (Trafficking in Women and Children, Mekong SubRegion, 2).

با توجه به موارد فوق معلوم می‌شود که «قاچاق» در اصطلاح غالباً به معنای صادرات و واردات غیرقانونی از / به کشور است و به همین دلیل ماده ۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی تیرماه ۱۳۱۱ مقرر داشته: «کلیه اجناسی که برخلاف مقررات این قانون وارد مملکت می‌شود قاچاق محسوب و به نفع دولت ضبط و فروخته می‌شود». در عین حال قاچاق انسان معنایی گسترده‌تر را شامل بوده، شامل تجارت و معامله غیرقانونی آن‌ها در یک کشور نیز می‌گردد، گرچه مصداق بارز و غالبی آن زمانی محقق می‌شود که به خارج کشور انتقال داده می‌شوند. به همین دلیل است که یکی از حقوق‌دانان قاچاق را به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرده و معتقد است اگر کالای قاچاق از نقطه‌ای به نقطه دیگر در داخله باشد، قاچاق داخلی و اگر در خارجه باشد قاچاق خارجی محسوب می‌شود (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۱۵).

در پروتکل پیشگفته نیز قاچاق انسان در تعریفی قرار گرفته است که شامل قاچاق داخلی و خارجی می‌شود. البته برای این که مشمول تدابیر کنوانسیون باشد این قاچاق باید یا به صورت فراملی و خارجی باشد و یا اگر داخلی است توسط گروه‌های مجرمانه فراملی صورت گیرد. اما در قانون مبارزه با



قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ قانونگذار نظر به قاچاق خارجی انسان داشته است (قانون مبارزه با قاچاق انسان، ۱۳۸۳، ماده ۱).

در نظام حقوقی ایران، به موجب ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳) قاچاق انسان عبارت است از:

الف) خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اخفا. «فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود این تعریف به آنچه که از پروتکل پالمونقل شده شباهت بسیاری داشته و از آن اقتباس شده است. با این توضیح که ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان، تشکیل یا اداره دسته یا گروه با هدف قاچاق انسان، خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت سازمان یافته اشخاص به قصد فحشا یا سایر مقاصد مذکور در ماده ۱ را نیز در حکم قاچاق انسان و مشمول مجازات آن دانسته است.

از این تعریف می توان ویژگی هایی را برای این جرم بین المللی استنباط کرد که آن ها را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۲ ویژگی های قاچاق زنان

قاچاق زنان به منظور بهره کشی دارای ویژگی های زیر است:

- بین المللی بودن،

- سازمان یافته بودن،

- بی تأثیر بودن شرایط بزه دیده در تحقیق عنوان مجرمانه.

۱-۲-۱ بین المللی بودن

قانون مبارزه با قاچاق انسان، و بسیاری از اسناد بین المللی موجود (بجز کنوانسیون سارس^۱) بین المللی بودن جرم قاچاق انسان را مورد تصریح قرار داده اند. امروزه ویژگی بین المللی بودن در بسیاری از جرم های سازمان یافته به ویژگی های این جرم افزوده شده است (شمس ناتری، ۱۳۸۰).





۲-۲-۱ سازمان یافتگی قاضی زنان

قاضی زنان در زمره جرائم سازمان یافته بین المللی به شمار می آید. کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته بین المللی «گروه مجرمانه سازمان یافته» را در بند «الف» ماده ۲ چنین تعریف می کند: «گروه های متشکل از سه نفر یا بیش تر که برای مدت زمانی اعلام موجودیت کرده، با هماهنگی یکدیگر یک یا چند جرم مشابه یا جرائمی را که به موجب این کنوانسیون برای تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منافع پولی یا مادی دیگر انجام می شود، مرتکب می شوند». بند «ج» همان ماده نیز در تعریف «گروه ساختارمند» می گوید: گروهی که به طور ناگهانی و آنی برای انجام یک جرم شکل نمی گیرند و (برای صدق عنوان) نیازی به داشتن قواعد تعریف شده و تشریفات از حیث (ترکیب) اعضا، اتحاد آن ها یا توسعه سازمانی وجود ندارد. علت سازمان یافتگی جرائمی همچون قاضی زنان را باید منافع سرشار اقتصادی مرتکبین آن دانست. از منظر جرم شناختی «بزهکاری سازمان یافته، نوع پیشرفته ای از الگوی مشارکت است که در آن بزهکاران به ارتکاب اعمال ضداجتماعی با هدف کسب درآمد و فوائد مالی می پردازند (شمس ناتری، ۱۳۸۰).

۳-۲-۱ بی تأثیر بودن شرایط بزه دیده

در تحقق عنوان جرم بین المللی و سازمان یافته قاضی زنان، شرایط بزه دیده را باید فاقد اثر دانست. به عبارت دیگر شرایط بزه دیده تأثیری در تحقق عنوان قاضی زنان ندارد. از آن جا که تجارت زنان مستلزم رفتاری است که با بردگان شده و نوعی برده داری محسوب می شود، چنین اعمالی در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی حقوق بشری منع گردیده است. برای نمونه می توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ اشاره کرد که ماده ۴ آن مقرر داشته است: «احدی را نمی توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است». همچنین اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۴۱۱ قمری (۱۹۹۰ میلادی) در ماده یازدهم (بند الف) تصریح می نماید: «انسان آزاده متولد می شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی».

همچنین در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز در بند ۱ ماده ۸ مقرر گشته است: «هیچ کس را نمی توان در بردگی نگاه داشت. بردگی و خرید و فروش برده به هر نحوی از انحاء ممنوع است». علاوه بر موارد فوق که به طور کلی دلالت بر منع برده داری و به بردگی گرفتن انسان ها اعم از





زن و مرد و پیر و جوان دارد، اسناد بین‌المللی وجود دارند که به طور خاص راه‌هایی را برای پیشگیری از قاچاق یا خرید و فروش زنان پیش‌بینی کرده‌اند.

از این گونه اسناد می‌توان به مقاله‌نامه بین‌المللی امضا شده در پاریس در ۱۸ ماه می ۱۹۰۴ راجع به تأمین حمایت مؤثر علیه معاملات جنایتکارانه موسوم به خرید و فروش سفید پوستان^۱ اشاره کرد. این مقاله‌نامه گرچه سه موضوع حمایت و حفاظت از زنان در معرض خطر یا قربانی، بازگشت قربانیان به وطنشان و نظارت بر دفاتر کارایی را مورد توجه قرار داده بود، لکن هیچ تدبیری در خصوص جرم‌انگاری مقرر نکرده بود. در نتیجه تعهدنامه بین‌المللی راجع به جلوگیری و سرکوب خرید و فروش سفید پوستان^۲ در ۴ ماه می ۱۹۱۰ به تصویب رسید. اهم تدابیر این قرارداد جرم‌انگاری خرید و فروش زنان سفید پوست و عدم توجه به رضایت قربانیان جرم (مواد ۱، ۲ و ۳) به همراه لزوم تبادل اطلاعات کشورهای متعاقد و معاضدت‌های قضایی در این خصوص بود. دو مقاله فوق در تاریخ ۱۴ دی ماه ۱۳۱۰ به تصویب دولت ایران رسیدند. در سی‌ام سپتامبر سال ۱۹۲۱ تعهدنامه بین‌المللی الغای خرید و فروش نسوان و کودکان^۳ در تأیید دو سند قبلی به تصویب رسید که علاوه بر تأکید و تأیید دو قرارداد ۱۹۰۴ و ۱۹۱۰، ضمن جرم‌انگاری خرید و فروش نسوان و کودکان، تدابیری را در خصوص شروع به جرم، استرداد مجرمان و نظارت بر بنگاه‌های کارایی و امثال آن پیش‌بینی کرد و دولت ایران نیز در هفتم مهرماه سال ۱۳۰۰ بدان پیوست. قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله نسوان کبیره^۴ یازدهم اکتبر ۱۹۳۳ که در ۳۰ دی ۱۳۱۳ به تصویب مقنن ایران رسید، گستره موضوع قراردادهای قبلی را از زنان سفید پوست خارج و شامل دیگر زنان کرد.

سرانجام با گسترش قاچاق اشخاص و به‌ویژه زنان برای فحشا کنوانسیون سرکوب قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران^۵ در دوم دسامبر ۱۹۴۹ به تصویب رسید که تدابیری از قبیل لزوم ارائه اطلاعات توسط روسپیان به مراکز خاص جهت تحت نظارت دولت بودن، جرم‌انگاری بهره‌کشی

۱. International Agreement of 18 May 1904 for the Suppression of the Whire Slave Traffick.

۲. International Convention of 4 May 1910 on the Prevention and Suppression of the White Slaves Trafficking

۳. International Convention of 30 September 1921 for the Abolishment and Suppression of Trafficking in Women and Chiildren

۴. Internotional Conention of 11 October 1933 for the Prevention of Trafficking in Women of Full Age

۵. International Convention of 2 December 1949 for Suppression of Trafficking in Persons and Exploitation of Prostitution of Others





از روسپی‌گری دیگران، جرم‌انگاری قاچاق زنان، استرداد مجرمان و نظارت بر آژانس‌های کاریابی در این کنوانسیون پیش‌بینی گردید (اشتری، ۱۳۸۰: ۶۲). لکن به دلیل این که امروزه با باز شدن مرزها یا سهولت ورود و خروج مسافر و کالا از مرزها از یک طرف و سازمان‌یافته شدن جرائم مربوط به قاچاق زنان از سوی دیگر و میزان بالای ارتکاب این گونه جرائم در سطح بین‌المللی که ضمن این که کرامت زنان را به طور جدی نادیده گرفته و ارزش آنان را در حد یک کالای قابل نقل و انتقال تنزل داده، موجبات فساد اخلاق اجتماعی را فراهم آورده است، و به دلیل تعلق اسناد فوق‌الذکر به دهه‌های دور ارزش الزام‌آوری این اسناد کمرنگ شده است، نیاز به وضع قواعد و مقررات جدیدی بوده که با مشکل امروزه ارتکاب این گونه جرائم که به صورت سازمان‌یافته و فراملی ارتکاب می‌یابد مقابله کرده و مقتضی به کارگیری ابزار و تدابیر جدید برای مقابله با آن باشد.

بر همین مبنا به دنبال وضع و تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی، معروف به کنوانسیون پالرمو سال ۲۰۰۰، یکی از سه پروتکل الحاقی مصوب سازمان ملل «پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان»^۱ بوده است که با توجه به مقدمه آن برای تحقق این اهداف به تصویب اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید: (۱) پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان، (۲) حمایت و کمک به قربانیان این جرائم که همان اشخاص قاچاق شده یعنی زنان و کودکانند، و (۳) ارتقای همکاری میان دولت‌ها به منظور نیل به اهداف پیشگفته.

۳-۱ رفتارهای مرتبط با قاچاق زنان (اهداف قاچاق زنان)

کسانی که مرتکب قاچاق و تجارت زنان می‌شوند، آنان را در مسیرهای نامتعارف زندگی قرار می‌دهند؛ مسیرهایی که کرامت و سلامت اخلاقی و شخصیت زن را به طور جدی در معرض خطر قرار می‌دهد. اهداف و انگیزه‌های مذکور در پروتکل الحاقی سال ۲۰۰۰ مهم‌ترین اقداماتی هستند که قاچاقچیان نسبت به قربانیان خود مرتکب می‌گردند. این اهداف عبارتند از: بهره‌برداری جنسی، کار یا خدمات اجباری، به بردگی گرفتن یا اعمال مشابه بردگی، اسثمار و استخراج اعضای بدن.^۲ بهره‌برداری جنسی شامل بخش‌های مختلفی می‌تواند باشد که مهم‌ترین آن به شرح زیر است:

۱. Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially women and Children.

۲. ماده ۳ پروتکل، ذیل بند «الف».



الف) در خصوص فرد قربانی: فاحشه‌گی و روسپی‌گری،^۱ فرو افتادن در دام هرزه‌نگاری و صور قبیح،^۲

ب) در خصوص مرتکبان قاچاق: قوادی، ارتکاب جرائم جنسی، معاونت در انواع جرائم جنسی، اقدامات مربوط به عکس‌برداری و انتشار صور قبیح.

در ارتباط با رفتارهای فرد قربانی دو حالت قابل تصور است. حالت اول این که خود او از روی اراده و اختیار مرتکب این اعمال شده باشد، یعنی در حالی که می‌توانست اقداماتی برای فرار از ارتکاب این رفتارها انجام دهد یا به هر حال از آن امتناع کند، خودش ارتکاب این اعمال را بدون فریب و اکراه پذیرفته یا علیرغم وجود فریب و امثال آن، بدون اکراه و با رضایت این امور را انجام داده باشد، به گونه‌ای که عنصر فریبکاری تأثیری در تصمیم‌گیری وی نداشته است. در این صورت خود آن زن مجرم است و بسته به این که رفتار وی زنا یا مساحقه یا روابط کم‌تر از زنا و امثال آن باشد بر مبنای آیات قرآن و روایاتی که در خصوص این موارد وجود دارد، مستحق مجازات است (نور، آیه ۲ و ۱۹ و فصلت، آیه ۴۶)؛ چرا که شخص مزبور از روی اراده و اختیار مرتکب این اعمال شده و شرایط تکلیف در وی فراهم بوده و در نتیجه مشمول مسئولیت کیفری است.

از حیث جرم‌شناختی نیز به دلیل این که شخص قاچاق شده در شهر یا کشوری غیر از وطن خودش حضور دارد، به دلیل عدم وجود نظارت اجتماعی نسبت به وی که در وطنش به طور غیر مستقیم از سوی بستگان، دوستان یا هموطنان وی صورت می‌گرفته، با آزادی بیش‌تر و عدم نگرانی از نتایج اعمال خودش و در نتیجه در سطح وسیع مرتکب این اعمال می‌گردد، به‌ویژه اگر هدف وی از این اعمال به دست آوردن در آمد نیز باشد. لذا برای کنترل این افراد اقدامات برنامه‌ریزی شده مناسبی از سوی متصدیان امر اعم از پلیس و دستگاه قضایی لازم است.

حالت دوم) در این حالت شخص قاچاق شده تمایلی به انجام فحشا نداشته و تحت اجبار یا اکراه و اضطراب و ادا به ارتکاب آن شده که براساس قواعد مربوط به عدم مسئولیت مرتکب در حالت اجبار یا اکراه تام یا اضطراب، وی مسئولیت کیفری ندارد و شخص قاچاق‌کننده یا مرتب‌تین با این جرم در حد مسئولیت خود قابل تعقیب کیفری هستند.

آنچه در این بحث قابل توجه است رابطه قاچاق زنان و فحشا است که در این خصوص باید گفت غالب قاچاق‌شدگان امروزه در سکس،^۱ روسپی‌گری و فحشا،^۲ خدمات توريسم جنسی^۳ و هرزه‌نگاری



۱- prostitution

۲ - pornography



و انتشار صور قبیح^۴ به کار گرفته می شوند. دلیل به کارگیری در این قییل جرائم روشن است: وقتی کرامت و شخصیت زن در این مسیر قربانی می شود، چنین رفتارهایی از یک سو برای قاذقچیان پر درآمد است و از سوی دیگر برای قربانی جرم امری بدون زحمت و در عین حال لذتبخش بوده، خود او نیز سود مادی قابل توجهی را کسب می کند. همچنین رابطه قاذق زنان و قوادی و واسطه گری و توسعه و رونق آن امری غیر قابل انکار خواهد بود. قاذقچیان خود و یا عوامشان در پی جلب مشتری جنسی و ایجاد ارتباط وی با قربانی قاذق بوده، با معرفی و توصیف زنان قاذق شده به مردان مورد نظر این وساطت را عملی می کنند.

در متون فقهی گرچه مجازات قواد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید [برای مردان] مقرر شده است (حر عاملی، ۱۳۷۶: ۴۲۹)، اما در صورتی که رفتار قواد از حد قوادی تجاوز کرده، به حد ایجاد فساد در زمین برسد، در این صورت مجازات وی متفاوت خواهد بود و از آن جا که قاذقچیان زنان در فعل خود فقط به دنبال قوادی نبوده، با رفتار خود موجبات فساد در جامعه را فراهم می آورند، از یک سو زنان و کودکان را از خانواده جدا می کنند و آنان را در وضعیت بدون حمایت قرار می دهند و از سوی دیگر از آنان برای انواع مختلف فحشا از روابط جنسی ساده گرفته تا تورسم جنسی و پورنوگرافی بهره برداری می کنند و از این راه موجبات فساد گسترده را در زمین فراهم می سازند و از این رو، دیگر نمی توان بر رفتار آنان نام قوادی نهاد و این ها ممکن است مصداق مفسد فی الارض باشند و علاوه بر این که مشمول عذاب و لعنت الهی می شوند^۵ مشمول مجازات مربوط به این جرم گردند.^۶ در عین حال، این که مجازات رفتار مورد بحث چه باشد، قابل تردید است. از یک سو براساس آیه ۳۳ سوره

۱. sex industry

۲. prostitution

۳. sexual tourism services

۴. pornography

۵- «و الذین ینقضون عهد الله من بعد میثقه و یقطعون ما امر الله به أن یوصل و یفسدون فی الارض أولئک لهم اللعنه و لهم سوء الدار»: کسانی که عهدشان را با خدا پس از بستن آن می شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده است می گسلند و با انجام کارهای ناشایست در زمین فساد می کنند برای آنان دوری از رحمت خدا خواهد بود و ناگواری آن سرا را خواهند داشت (رعد، آیه ۲۵).

۶- «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً أن یقتلوا أو یصلبوا أو تقطع أیدیهم و أرجلهم من خلف أو ینفوا من الارض» (مائده، آیه ۳۳).





مأنده^۱ مجازات محاربه یکی از چهار مجازاتی است که به شکل تخییری در ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که البته این مجازات‌ها در مواردی قابل اعمال است که جرم ارتكابی موضوع ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی باشد، یعنی مرتكب برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، در حالی که در قاجاق زنان و به کارگیری آنان در ارتكاب فحشا این گونه نیست. از سوی دیگر به اقتضای آیه ۳۲ سوره مأنده^۲ اگرچه ممکن است استنباط اولیه این باشد که قتل کسی که مرتكب فساد بر روی زمین شد جایز است، لکن با توجه به این که مصادیق فساد در آیه شریفه مشخص نشده است، نمی توان به صرف اطلاق فساد بر فعلی، مرتكب آن را مستحق قتل دانست؛ زیرا در عرف ارتكاب اعمالی نظیر زنا، مساحقه، قوادی شرب خمر و توزیع و فروش آن و بسیاری از جرائم دیگر مشمول عنوان فساد است، لکن هریک مجازات‌های خاصی دارند و هیچ‌یک از موارد فوق جز در شرایط خاص، مثل تکرار سه یا چهار باره، یا به عنف بودن یا محصنه بودن زنا یا زنای با محارم و نظایر آن مشمول حکم قتل نیست. بنابراین، صدور حکم قتل در مواردی که فعل مرتكبان قاجاق زنان مشمول عنوان افساد است، بسیار مشکل می نماید، مگر این که قائل به نظر کسانی شویم که معتقدند گرچه در آیه ۳۳ سوره مأنده افساد فی الارض عطف به محاربه شده است، لکن این عطف به معنای لزوم جمع دو عنوان یعنی محاربه بر وجه فساد نیست، بلکه با تحقق هریک از موارد محاربه یا افساد فی الارض، حکم مربوط قابل اعمال است (محمدی گیلانی، ۱۳۶۱: ۲۲۹ و حبیب زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۱ به بعد) و یا این که حکم آیه شامل افساد فی الارض است، نه محاربه و محاربه یکی از مصادیق افساد است (لنکرانی، ۱۴۰۶: ۳-۵۰۱ و مرعشی: ۴۶).

قانونگذار در وضع قوانین پراکنده از همین نظر دوم پیروی کرده و در مواردی که حکم افساد فی الارض را تقنین کرده بر همین مبنا نظر داده است.^۳ و نهایتاً در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ افساد فی الارض را به شکل جرمی مستقل از محاربه مورد حکم قرار داده است. از سوی دیگر، زنان قاجاق شده که نسبت به این امور رضایت واقعی - و نه صوری از روی اضطرار - دارند، افعالشان از حد زنا یا روابط جنسی ساده گذشته، با ایجاد فساد در جامعه از طریق انتشار عکس‌های

۱- انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الأرض فساداً أن یقتلوا أو یصلبوا أو تقطع أیدیهم و أرجلهم من خلف أو ینفوا من الأرض... (مأنده، آیه ۳۳).

۲- «... من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً...» (مأنده، آیه ۳۲).

۳- در این خصوص رک: ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، ماده ۲ قانون مجازات اخلا لگرا ن در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، و ماده ۶ قانون مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۶۷.





برهنه یا فیلم‌های جنسی خود و یا دعوت مردان به ارتباطات خاص از طریق کانال‌های تلویزیونی خاص یا سایت‌های مخصوص، مصداق مفسد فی الارض شده، حکم خاص این جرم را مستحق خواهند شد.

۱-۳-۱ کار و یا خدمات اجباری و استثمار

این نوع کار و خدمات اجباری بسته به وضعیت فرد می‌تواند کار خانگی یا کشاورزی، کار در کارگاه‌های کار سخت، دامداری، و یا کار در رستوران‌ها، هتل‌ها، روسپی‌خانه‌ها، کلوپ‌های رقص و امثال آن باشد. این نوع کار و خدمات یا در مقابل اخذ مزد اندک محقق می‌شود که در واقع نوعی استثمار تلقی می‌گردد و یا به طور مجانی صورت می‌گیرد که نوعی بردگی از سوی قربانی و برده‌داری از سوی قاچاقچیان به حساب می‌آید.

در هر حال به کار گرفتن اجباری یا وادار کردن شخص به خدمات اجباری عملی حرام بوده، شخص مرتکب ضامن اجرت‌المثل خدمت کارگر تلقی می‌شود و در صورتی که این نوع خدمات فعل حرام و اشاعه فحشا بوده باشد، مرتکب قاچاق در این موارد اعانه بر اثم کرده، مشمول آیات مربوط خواهد بود؛^۱ ضمن این که بر مبنای قاعده استلزام تحریم و تجریم که برخی از بزرگان قائل به آن هستند (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۴۸ و موسوی خویی: ۳۳۷) می‌توان مجازات متناسب با جرم ارتكابی را نیز برای مرتکبان این گونه جرائم در نظر گرفت.

علاوه بر موارد فوق در بسیاری از آیات و روایات بر ضامن بودن این شخص تأکید شده است. بر مبنای آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکن تجارت» تراض^۲ درآمدهای ناشی از به کارگیری اجباری فرد و استثمار وی، اکل مال به باطل بوده، در نتیجه چنین عملی موجب ضمان و عملی حرام است.

۱-۳-۲ به بردگی گرفتن یا اعمال مشابه بردگی

به بردگی گرفتن به معنای برده و عبد قرار دادن شخص است؛ به گونه‌ای که شخص برده کاملاً مطیع بدون چون و چرا بوده، اختیار هیچ عملی را ندارد و همانند یک کالا قابل خرید و فروش، اجاره دادن، هدیه شدن و امثال آن است.

بررسی حقوقی مقابله با قاچاق زنان باغی بر اساس من‌الحلی



۱- «... تعاونوا علی البرّ و التّقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان ...» (مائده، آیه ۲)؛ «انّ الذین یحبّون انّ تشیع الفحشه فی الذّین ءامنوا لهم عذاب الیم فی الدّنیاء و الآخره ...»: کسانی که دوست دارند کار زشت در میان مومنان شایع گردد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود (نور، آیه ۱۹).

۲- نساء، آیه ۲۹.



در قرارداد تکمیلی «منع بردگی و برده فروشی» سپتامبر ۱۹۲۶ در تعریف بردگی و برده آمده است: «بردگی به معنای حال و یا وضع کسی است که اختیارات ناشی از حق مالکیت کلاً یا جزئاً نسبت به او اعمال می‌شود و برده کسی است که در چنین حال یا وضعی باشد (عبادی، ۱۳۷۳: ۳۳)؛ کما این که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب ۱۹۹۸ که در سال ۲۰۰۳ قدرت اجرایی یافته است، ضمن این که در ماده ۷ به بردگی گرفتن را در شرایط خاصی نوعی جرم علیه بشریت اعلام داشته، آن را چنین تعریف کرده است: «به بردگی گرفتن یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری برای خرید و فروش انسان به‌ویژه زنان و کودکان».^۱

بنابراین به بردگی گرفتن به معنای مملوک قرار دادن و معامله کردن انسان همانند مال و ملک است.

گرچه در دین مبین اسلام در ابتدا به صورت امضایی به بردگی گرفتن مشروعیت داشته، لکن با توجه به قواعد و اصول حاکم بر این نهاد، معلوم می‌شود که اولاً به بردگی گرفتن برای هدایت شخص کافر آن هم در شرایطی خاص بوده که در یک خانواده مسلمان به نور اسلام هدایت گردد و ثانیاً تدابیری در اسلام پیش‌بینی شده که زمینه آزاد شدن برده فراهم گردد و در واقع از یک زندگی تاریک به زندگی روشن و سالم هدایت شود.

بنابراین اساساً عبودیت جز در برابر خداوند و ولایت جز برای خداوند در اسلام پذیرفته نیست و لذا قرآن می‌فرماید: «و کفی بالله ولّیاً»^۲ و در جایی دیگر «و این که برخی از ما برخی دیگر را جز خدا ارباب قرار ندهیم».^۳ بر همین مبنا امام علی (ع) فرموده: «ای مردم حضرت آدم برده آفریده نشده است. مردم تماماً آزاده هستند»^۴ و در جایی دیگر: «برده دیگری مباش. خداوند تو را آزاد آفریده است».^۵ گرچه برخی از آیات یا روایات فوق دلالت بر بندگی به معنای عبودیت حقیقی دارند، لکن با توجه به اصالةالظهور، دلالت ظاهری آن‌ها بر بردگی در مقابل انسان‌ها روشن است.

در موارد متعددی نیز در کتب فقهی مشاهده می‌شود که مؤلفه‌های مختلفی را شارع مقدس جهت آزادی بردگان پیش‌بینی کرده است؛ مانند کفاره قتل، کفاره افطار عمدی روزه واجب، کفاره حنث

۱ - Rome Statute of the international Criminal Court, Article 7, Paragraph 2 ©.

۲- نساء، آیه ۴۵.

۳- «لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» (آل عمران، آیه ۶۴).

۴- «ایها الناس ان آدم لم یولد عبداً و لا امه الناس کلهم احرار» (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، بی تا: ۸۶).

۵- «لا تکن عبد غیرک قد جعلک الله حراً» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).





نذر یا قسم، کفاره ایلاء وظهار و... با توجه به همین مؤلفه‌ها چندی پس از ظهور اسلام، برده‌داری به پایان عمر خود رسید. با توجه به موارد فوق معلوم می‌شود به بردگی گرفتن مذکور در اهداف قاچاق انسان با آنچه در صدر اسلام وجود داشته از هر جهت متفاوت و غیر قابل مقایسه است.

مرتکبان این گونه جرائم که با قاچاق‌شدگان رفتاری همانند رفتار با بردگان دارند و آنان را مورد خرید و فروش و امثال آن قرار می‌دهند، براساس قواعد شریعت مرتکب گناه بزرگی می‌شوند و این معامله به اجماع فقهای امامیه حرام و باطل است (اردبیلی، ۱۴۱۱، ج ۸: ۱۶۷ و ۲۶۱؛ مطهر الحلی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۶۱، نجفی، ج ۲۲، بیروت، ۱۳۶۷: ۳۴۳؛ خویی، ج ۶: ۱۳۶۶: ۱۱۱) و مرتکبان این عمل به دلیل بیع حر از باب افساد فی الارض قابل مجازات هستند. مرحوم خوانساری در این خصوص به روایتی استناد می‌کند که براساس آن، فردی، مردی را فروخته بود. وقتی خبر به امام جعفر صادق (ع) رسید، به قطع دست آن فرد حکم کرد و چنین حکمی را به جد بزرگوارش علی (ع) نسبت داد.^۱ مرحوم خوانساری پس از ذکر برخی روایات دال بر قطع ید مرتکب در چنین مواردی، استدلال می‌کند که قطع ید در ما نحن فیه به دلیل سرقت نیست [چرا که سرقت مال از حرز و با شرایط خاص موجب قطع ید می‌شود، اما سرقت انسان حر که مال نیست، مشمول سرقت حدی نمی‌شود]، بلکه این قطع ید به دلیل فساد مرتکب بوده، چنین شخصی از باب افساد فی الارض مشمول این مجازات است.^۲ البته این اشکال وجود دارد که مجازات افساد فی الارض محدود به مجازات اعدام موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی است و قطع ید به صورتی که در روایات مطرح شده است در آن ماده ذکر نشده است.

بنابراین کسی که مرتکب خرید و فروش انسان می‌شود، اعم از قاچاقچی یا کسی که شخص قاچاق شده را در حکم برده قرار داده، وی را می‌فروشد، مشمول حکم فوق می‌شود. فقهای مختلفی در این خصوص قائل به قطع ید مرتکب شده‌اند؛ اما در خصوص شخص قاچاق شده باید گفت اگر وی نسبت به این خرید و فروش رضایت داشته باشد، رضایت وی ارزشی ندارد و وی را در حکم کالا قرار نمی‌دهد و در نتیجه، حکم تکلیفی و وضعی این رفتار همان است که گذشت (شهید ثانی، ۱۴۱۴،



۱- عن سکونی عن ابي عبدالله (ع): ان امیر المؤمنین صلوات الله علیه اتی برجل قد باع حراً فقطع یده ... و روایه اخری عن سنان بن ظریف قال: سألت ابا عبدالله (ع) عن رجل باع امراته، قال: علی الرجل ان تقطع یده (رک: سید احمد خوانساری، جامع الدارک، ج ۷، ط ۲، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۵: ۱۴۷).

۲- همان جا.



ج ۳۰: ۱۷۵ و نوبهار، ۱۳۸۵: ۸۳). النهایه در صورتی که رضایت وی واقعی بوده باشد، به دلیل معاونت بر اثم^۱ مشمول مجازات تعزیری می گردد.

۱-۳-۳ استخراج اعضای بدن

این جرم که خود جرمی مستقل از اصل قاچاق انسان است، یکی از غیر انسانی ترین و بی رحمانه ترین جرائمی است که امروزه در سطحی وسیع متداول بوده، به دلیل نیاز بیماران مختلف به پیوند اعضا که عمدتاً حاضرند در این خصوص هزینه قابل توجهی نیز پردازند تا بهبود یابند، به یکی از منابع عمده درآمد قاچاقچیان تبدیل شده است.

اخیراً افشا شده است که حتی در جنگ رژیم صهیونیستی علیه مسلمانان غزه، این رژیم اعضای بدن برخی از مجروحان این جنگ را استخراج کرده است. این امر نشانگر گستردگی این نوع از جرائم غیر انسانی است که نه تنها در قاچاق انسان، بلکه در جرائم جنگی نیز مورد عمل واقع می شود.

از منظر فقهی، استخراج اعضای بدن به دلیل این که مستلزم ارتکاب جنایت نسبت به اعضای بدن است، مستوجب صدور حکم قصاص و در صورت عدم امکان قصاص مستوجب صدور حکم دیه است و بسته به این که چه عضو یا اعضای استخراج شده باشند، دیه یا دیات لازم مورد حکم واقع می شوند و از آن جا که چنین اعمالی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه می شود، به ویژه آنگاه که به صورت سازمان یافته ارتکاب می یابد، علاوه بر مجازات فوق امکان تحقق عنوان افساد فی الارض نیز در این خصوص وجود دارد که حکم آن گذشت.

۲. مبارزه با قاچاق و تجارت زنان در پروتکل سال ۲۰۰۰

نظر به این که براساس ماده یک پروتکل، ضمانت اجراها و مجازات ها، روش های پیشگیری از جرم، همکاری های قضایی و پلیسی و دیگر تدابیر مذکور در این پروتکل باید براساس کنوانسیون پالرمو تفسیر و اجرا گردد، لذا ضمن اشاره ای گذرا به مواد مرتبط پروتکل اشاره ای نیز به برخی مواد مرتبط کنوانسیون از این حیث خواهیم کرد.

پروتکل، قاچاق اشخاص را به شرح ذیل تعریف کرده است: «قاچاق اشخاص» به معنای استخدام کردن، اعزام، انتقال، پناه دادن یا پذیرفتن اشخاص است، به وسیله تهدید یا توسل یا به کارگیری زور یا دیگر اشکال اجبار، ربودن، تقلب یا فریب، اغفال، سوء استفاده از قدرت یا سوء استفاده از موقعیت آسیب پذیری شخص یا از طریق دادن یا گرفتن مبالغ یا منافع برای تحصیل رضایت شخصی که روی دیگری کنترل دارد، به منظور بهره کشی. این بهره کشی شامل بهره برداری از فحشای دیگران یا اشکال



۱- «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» (مائده، آیه ۹).



دیگر بهره‌برداری جنسی، کار یا خدمات اجباری، به بردگی گرفتن یا اعمال مشابه بردگی، اسشمار و یا استخراج اعضا است.^۱

همان‌گونه که در ابتدای ماده ملاحظه می‌شود عنصر مادی قاچاق انسان‌ها به صورت حصری با یکی از رفتارهای استخدام و ... حاصل می‌شود که از طریق تهدید و امثال آن محقق می‌گردد که دلالت بر لزوم وجود سوءنیت و عمد مرتکب دارد و جلوه‌هایی از وجود عنصر معنوی را به نمایش می‌گذارد. آنچه انگیزه قاچاق انسان را محقق می‌سازد، بهره‌برداری از انسان قاچاق شده است. با توجه به موارد فوق، اگر عنصر مادی جرم با همان طرق و وسایل ارتکاب (مثل تهدید و ...) صورت گیرد، ولی نه به منظور بهره‌برداری، در چنین صورتی، قاچاق انسان موضوع پروتکل محقق نشده و از این حیث قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود. فرضاً اگر کسی زنانی را با تهدید یا توسل به زور و امثال آن برای رهایی دادنشان از فساد یا حفظ آنان از خطرهای خاص به جایی منتقل کند یا پناه دهد یا آنان را بپذیرد، در چنین صورتی، مرتکب جرم قاچاق زنان نشده است؛ چرا که در اقدامات خود به دنبال بهره‌برداری از آنان نبوده است.

به عبارت دیگر، گرچه انگیزه ارتکاب جرم تأثیری در ماهیت جرم ندارد و وجود و عدم وجود آن موجب تغییر ماهیت جرم نمی‌شود، لکن در مانحن فیه مقید کردن جرم به وجود انگیزه در پروتکل، تحقق جرم را منوط به وجود آنی انگیزه، یعنی بهره‌برداری از شخص قاچاق شده کرده است و صرف رفتارهای مذکور در بند «الف» ماده ۳، موجب تحقق جرم قاچاق انسان نمی‌شود.

از سوی دیگر، بهره‌برداری براساس ذیل همین ماده، شامل بهره‌برداری از فحشای دیگران یا اشکال دیگر بهره‌برداری جنسی، کار یا خدمات اجباری، به بردگی گرفتن یا اعمال مشابه بردگی، اسشمار و یا استخراج اعضا است. ملاحظه می‌شود بخش قابل توجهی از موارد بهره‌برداری مربوط به زنان است.

تصویب کنندگان پروتکل برای رضایت شخص قاچاق شده در صورتی که شیوه‌های مذکور در بند «الف» مورد استفاده قرار گرفته باشد، ارزشی قائل نبوده،^۲ آن را موجب خروج فعل ارتكابی از قاچاق انسان تلقی نکرده‌اند. این در حالی است که در اغلب جرائم رضایت شخص قربانی از عوامل موجهه جرم تلقی می‌شود و در صورت تحقق رضایت، جرمی محقق نخواهد شد. برای مثال می‌توان به مفهوم بند «ب» پاراگراف ۱ ماده ۱ قانون جرائم جنسی ۲۰۰۳ انگلستان در مورد رضایت به زنا و بند ج ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مورد رضایت به عملیات جراحی اشاره کرد. عدم وجود

۱- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان ۲۰۰۰، ماده ۳، بند «الف».

۲- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان سال ۲۰۰۰، ماده ۳، بند «ب».



رضایت موجب تحقق جرم تجاوز به عنف در اولی و جرم ایراد جراحت در دومی می‌شود؛ ولی وجود رضایت عملیات فوق را از حالت مجرمانه خارج می‌کند. علت عدم تأثیر رضایت قربانیان قاچاق این است که افراد قاچاق شده که از کشور خود به کشوری دیگر قاچاق می‌شوند، اگرچه تحت استثمار و ظلم قاچاقچیان و همدستان آنان هستند، ولی به خاطر این که در کشور مقصد غریب و فاقد پشتوانه مالی و اجتماعی هستند، ترجیح می‌دهند که به خواسته‌های قاچاقچیان و استثمارکنندگان خود تمکین کرده، نه تنها نزد مقامات محلی شکایت نکنند، بلکه در صورت تعقیب نیز ترجیح می‌دهند، تهدیدات، فشارها و فریب‌های به کار رفته را مکتوم کنند تا حداقل تحت حمایت قاچاقچیان باشند و قاچاقچیان نیز با علم و آگاهی از چنین وضعیتی با آرامش خاطر بیش‌تر مرتکب قاچاق اشخاص می‌شوند (اسعدی، ۱۳۸۶: ۱-۲۵۰). لذا در بند «ب» ماده ۳ پیش‌بینی شده است: «رضایت قربانی قاچاق اشخاص نسبت به بهره‌کشی مطرح شده در بند «الف» این ماده در جایی که هریک از وسایل مطروح در بند «الف» مورد استفاده قرار گرفته باشد هیچ مناسبت و اهمیتی ندارد».

همچنین پروتکل در ماده ۵ از دول عضو کنوانسیون پالمو خواسته است که موارد مذکور در ماده ۳ را در صورت ارتکاب عمدی آن، جرم‌انگاری کنند. البته پروتکل در صورتی نسبت به قاچاق انسان قابل اعمال است که از موارد جرائم سازمان‌یافته فراملی باشد؛ بدین معنا که از سوی گروه یا گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته ارتکاب یافته باشد.^۱

پروتکل فوق در مواد ۶، ۷ و ۸ حمایت از قربانیان قاچاق انسان از جمله حمایت از حریم خصوصی، حفظ هویت، ارائه خدمات جسمی، روحی، اجتماعی و قضایی به قربانیان و تلاش برای بازگرداندن آنان به کشور خویش به نحو مناسب و ترجیحاً داوطلبانه را مدنظر قرار داده است. در این راستا به‌ویژه در ماده ۶ پروتکل اقدامات ویژه‌ای پیش‌بینی شده و از دولت‌ها خواسته شده حریم خصوصی و هویت قربانیان قاچاق اشخاص را حفظ کنند و از جمله رسیدگی‌های حقوقی مربوط به قاچاق آنان را محرمانه نگه دارند و ضمن دفاع از حقوق آنان در جریان رسیدگی، تدابیری را جهت بهبود فیزیکی، روانی و اجتماعی آنان اتخاذ کرده، در این راستا ارائه مسکن مناسب، مشاوره و ارائه اطلاعات درباره حقوق قانونی آن‌ها، کمک‌های پزشکی، روانی و مادی، فرصت‌های شغلی، تحصیلی و تربیتی از جمله این اقدامات خواهد بود؛ ضمن این که برای این اشخاص امکان کسب غرامت برای خسارات متحمل شده را فراهم سازند. همان‌گونه که گذشت با توجه به این که پروتکل مزبور مکمل کنوانسیون پالمو است، در نتیجه، تمامی قواعد و اصول و تدابیر پیش‌بینی شده در کنوانسیون در قاچاق





انسان هم قابل اعمال است. بر همین مبنا صرف عضویت در گروه مجرمانه در گیر قاچاق انسان جرم تلقی می شود^۱ و اشخاص حقوقی در گیر فعالیت های مرتبط با قاچاق انسان، همانند اشخاص حقیقی مسئولیت کیفری خواهند داشت.^۲ همچنین اموال و دارایی های ناشی از جرم مشمول مصادره و ضبط واقع شده،^۳ شهود این جرائم^۴ و قربانیان آن مورد حمایت های ویژه قرار می گیرند؛^۵ ضمن این که دولت های عضو متعهدند تمامی تدابیر لازم را جهت پیشگیری اجتماعی یا وضعی از جرم اتخاذ کنند.^۶ با توجه به موارد فوق، پروتکل از یکطرف به دنبال جرم انگاری قاچاق انسان و اعمال مسئولیت کیفری است و از سوی دیگر با تأکید بر پیشگیری از این نوع جرم، به دنبال اعمال سیاست حمایتی از قربانیان این جرم به ویژه زنان قاچاق شده است.

۳. مبانی فقهی - حقوقی

۳-۱ رویکرد جمهوری اسلامی ایران به اسناد بین المللی مربوط

همان گونه که قبلاً گذشت، برخی از اسناد بین المللی از جمله مقاله نامه بین المللی ۱۸ می ۱۹۰۴، کنوانسیون بین المللی راجع به جلوگیری و سرکوب خرید و فروش سفید پوستان چهارم می ۱۹۱۰، کنوانسیون بین المللی الغای خرید و فروش نسوان و کودکان سی ام سپتامبر ۱۹۱۲ و معاهده بین المللی راجع به جلوگیری از معامله نسوان کبیره یازدهم اکتبر ۱۹۳۳، توسط قانونگذار ایرانی مورد تصویب قرار گرفته و براساس ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون تلقی شده اند.^۷ به همین دلیل بوده که در سال ۱۳۰۴ [یعنی پس از تصویب قرارداد بین المللی راجع به الغای خرید و فروش زنان و کودکان ۱۹۲۱ در ایران و پس از جرم انگاری انتقال زنان و دختران به خارج جهت روسپی گری که در کنوانسیون ۴ ماه می ۱۹۱۰ پاریس راجع به جلوگیری از رفتار جنایت آمیز نسبت به زنان و کودکان مقرر

۱- ماده ۵ کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰ «جنایات سازمان یافته فراملی در حقوق بین الملل».

۲- ماده ۱۰ کنوانسیون پالمو.

۳- ماده ۱۲ کنوانسیون پالمو.

۴- ماده ۲۴ کنوانسیون پالمو.

۵- ماده ۲۵ کنوانسیون پالمو.

۶- ماده ۳۱ کنوانسیون پالمو.

۷- ماده ۹ قانون مدنی: عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.





گردید[و بر مبنای همین کنوانسیون، قانونگذار در ماده ۲۱۳ ق. مجازات عمومی مقرر کرد: «هر کس زنی را با علم به این که آن زن در خارجه به شغل فاحشگی مشغول خواهد شد برای رفتن به خارجه تشویق کند و یا مسافرت او را به خارجه تسهیل کند یا او را و لو با رضایت خودش به خارجه ببرد و یا برای رفتن به آن جا اجیر کند، به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود، اگرچه اعمال مختلفه که مبنای جرم محسوب می شود در ممالک مختلفه صورت گرفته باشد». جالب است که همین ماده در اصلاحات سال ۱۳۵۲ قانون مجازات عمومی نیز ابقا گردید.

اما در قانونگذاری پس از انقلاب به این جرائم بیش تر از منظر جرائم شرعی توجه شده بود، به این معنا که قاچاقچیان انسان در صورتی که مرتکب قوادی شده بودند صرفاً از همین حیث قابل تعقیب بوده، براساس مواد ۲۴۲ و ۲۴۳ قانون مجازات اسلامی^۱ قابل مجازات بودند. البته اگر فعل آنها متضمن تشویق به فساد و فحشا یا دایر کردن یا اداره امور فاحشگی بود براساس ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی قابل مجازات بودند؛ اما برای خرید و فروش زنان یا بهره کشی از آنان در امور دیگر خلأ قانونی کاملاً محسوس بود.

با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و براساس ماده ۳ آن، خرید و فروش، بهره کشی یا به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق ممنوع بوده و مرتکب به مجازات حبس یا جزای نقدی محکوم می شد؛ لکن همان گونه که از موضوع قانون معلوم می گردد این ضمانت اجرا فقط نسبت به سوء استفاده از کودکان و نوجوانان قابل اعمال بود و شامل زنان نمی شد.

ارتکاب قاچاق زنان از ایران و ارائه فیلم های مستند در این خصوص و احساس تهدید جدی در این زمینه، سرانجام قانونگذار ایرانی را وادار ساخت تا در سال ۱۳۸۳ جهت مقابله با جرم قاچاق انسان از



۱- ماده ۱۳۵: قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیش تر برای زنا یا لواط. ماده ۱۳۸. حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یک سال است و برای زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است.



جمله زنان به وضع و تصویب قانون خاصی مبادرت ورزد که از مبانی و ویژگی‌های قابل توجهی برخوردار است و در عین حال از جهاتی نیز قابل نقد می‌نماید.

۳-۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان در بستر ارزیابی و کارایی

قانون فوق‌الذکر مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره در جلسه علنی ۲۸ تیر ماه ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید؛ لکن پس از ارسال به شورای نگهبان، در مهلت مقرر مذکور در اصل ۹۴ قانون اساسی (ده روز) نظر شورای نگهبان به مجلس واصل نگردید و در نتیجه به استناد ذیل همان اصل این قانون قابل اجرا گردید.

این قانون از ویژگی‌های مثبت و در برخی موارد قابل اشکال برخوردار است که ذیلاً مورد اشاره واقع می‌شود:

۱. قانونگذار در این قانون معنای خاص قاچاق را مدنظر قرار داده که عبارت است از گذراندن غیر قانونی انسان از عرض مرزهای جغرافیایی کشور و به عبارت دیگر قاچاق خارجی مدنظر قانونگذار بوده است.

براساس بند «الف» ماده ۱ این قانون: «قاچاق انسان عبارت است از خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور...». بنابراین، در مواردی که شخص یا اشخاص، افرادی را با همان قیود و مقاصد مذکور در ماده ۱ قانون صرفاً از نقطه‌ای در داخل ایران به نقطه دیگر آن منتقل می‌کنند، در این صورت به دلیل عدم تحقق قاچاق، این قانون نسبت به آن قابل اجرا نخواهد بود و در این گونه موارد باید به قواعد کلی و مواد قانونی موضوعاتی دیگر نظیر آدم‌ربایی، قوادی و امثال آن استناد کنیم.

بند «ب» ماده ۱ این قانون که تحویل گرفتن، انتقال دادن، مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد و یا افراد موضوع بند «الف» همان ماده را نیز قاچاق تلقی می‌کند، قید «پس از عبور از مرز» را در انتها آورده است که در این صورت فقط تحویل گرفتن یا انتقال یا مخفی کردن پس از وارد ساختن به کشور مشمول بند «ب» این ماده می‌شود. ولی اگر به قصد خارج کردن از مرز کسی را تحویل بگیرد یا انتقال دهد یا مخفی کند چون هنوز عبور از مرز صورت نگرفته است، در حکم قاچاق انسان نخواهد بود. به نظر می‌رسد با توجه به وحدت ملاک میان وارد کردن و خارج کردن نباید تفاوتی میان این دو قائل شد. به عبارت دیگر همان گونه که انتقال و تحویل گرفتن یا مخفی کردن پس از عبور از مرز به دلیل طی مراحل قاچاق، قاچاق تلقی می‌شود، چنین اعمالی قبل از عبور از مرز نیز قاچاق است و لو این که هنوز از مرز نگذشته است. چنین استدلالی را قانونگذار درخصوص قاچاق اموال تاریخی -



فرهنگی از کشور پذیرفته است که بر مبنای آن «هر گونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هر چند به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب می گردد».^۱ از این جهت بند «ب» قابل انتقاد بوده، قانونگذار قید پس از عبور از مرز را باید بردارد و به جای آن عبارت «به قصد قاچاق انسان» را جانشین کند.

۲. از سوی دیگر همانند آنچه در پروتکل الحاقی پیش‌بینی شده، قاچاق انسان در قانون مبارزه با قاچاق انسان از سه رکن اساسی تشکیل شده است:

الف) رفتار خاصی که عبارت است از خارج ساختن، وارد ساختن یا ترانزیت اشخاص از مرزهای کشور.

ب) همراه بودن رفتار فوق با اجبار، اکراه، تهدید، خدعه و نیرنگ و یا سوء استفاده از قدرت خود یا وضعیت طرف مقابل.

ج) وجود انگیزه‌های نامشروع یا خاص که عبارتند از فحشا، برداشت اعضا و جوارح بدن، بردگی و ازدواج.^۲

با توجه به موارد فوق و لزوم اعمال تفسیر به نفع متهم و با استفاده از مفهوم مخالف ماده ۱، در صورتی که علیرغم دو شرط اول فوق‌الذکر، شرط سوم یعنی قصد فحشا یا برداشت اعضا و امثال آن نباشد، بلکه انگیزه‌ای شرافتمندانه یا انگیزه‌ای غیر از موارد مذکور در بند سوم در انجام عمل انتقال وجود داشته باشد، در این صورت، فعل ارتكابی مصادق قاچاق انسان نبوده، قانون فوق قابل اعمال نسبت به آن فعل نخواهد بود.

اما اگر شرط دوم، یعنی اجبار و امثال آن در کار نباشد، دو حالت را قانونگذار در این قانون مطرح کرده است:

الف) جرم ارتكابی به طور سازمان یافته صورت گرفته است. در این صورت حتی اگر این عمل با رضایت قربانیان جرم هم صورت گرفته باشد، جرم در حکم قاچاق انسان محقق است.^۳

ب) جرم ارتكابی سازمان یافته نباشد. در این صورت اگر اولاً عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال به صورت غیر مجاز بوده باشد، بدین معنا که بدون گذرنامه یا روادید صورت



۱- قانون مجازات اسلامی، کتاب تعزیرات، فصل نهم، ماده ۵۶۱.

۱- رکن: قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده ۱، بند «الف».

۲- ماده ۲، بند «ب».

گیرد و یا مقررات قانونی لازم اعمال نگردد و ثانیاً چنین اقدامی به قصد فحشا صورت گیرد، عمل ارتكابی جرم در حکم قاتل انسان خواهد بود و رضایت قربانی لحاظ نخواهد شد.^۱

معنا و مفهوم عبارات فوق این است که اولاً اگر اعمال فوق با رعایت قوانین و مقررات و داشتن گذرنامه و رواید صورت گیرد، عمل ارتكابی مشمول این قانون نخواهد شد؛ حتی اگر به قصد فحشا صورت گیرد و ثانیاً اگر عمل ارتكابی به صورت غیر مجاز باشد، لکن منظور از نقل و انتقال فحشا نباشد، بلکه بردگی یا برداشت اعضا و جوارح باشد، باز هم عمل ارتكابی مشمول این قانون نبوده، در حکم قاتل تلقی نخواهد شد. مسلماً چنین تجویزی دست مرتکبان را در حد قابل ملاحظه‌ای باز گذاشته، راه فرار از قانون و مجازات را فراهم می‌سازد؛ ضمن این که به نظر می‌رسد چنین تفسیری مورد رضایت مقنن نیز نیست. در عین حال، نوع نگارش قانون و تفسیر منطقی و مضیق آن، چنین مفهومی را ایجاب می‌کند. لذا شایسته است قانونگذار در اصلاح بند «ج» ماده ۲ اقدام شایسته کند.

۳- علاوه بر دو جرم در حکم قاتل که در سطور فوق مطرح گردید، مورد دیگری نیز در این قانون در حکم قاتل انسان پیش‌بینی شده است که در جهت پیشگیری از ارتکاب جرم قاتل انسان جرم‌انگاری شده و در واقع به عنوان «جرم بازدارنده یا مانع» مطرح است. این مورد عبارت است از «تشکیل یا اداره دسته یا گروهی که هدف آن انجام امور موضوع ماده ۱ این قانون است».^۲ قانونگذار با جرم‌انگاری فوق به دنبال پیشگیری از عملیات مقدماتی است که موجبات تسهیل و ارتکاب گسترده جرم قاتل انسان را فراهم می‌آورد. تأسیس یا وجود گروه مجرمانه موجب کاهش نگرانی مجرمان و تجری و تقویت روحیه آنان در ارتکاب جرم و بلکه تشدید اقدامات مجرمانه شده، احتمال ارتکاب جرم و موفقیت مجرمین در رسیدن به اهداف مجرمانه را افزایش می‌دهد. در بسیاری از موارد، هنگامی که قانونگذار وجود وضعیت یا حالت خاصی را به طرز جدی مؤثر در ارتکاب جرم می‌بیند، برای پیشگیری از ارتکاب جرم اصلی، آن وضعیت یا حالت را جرم‌انگاری می‌کند. در این خصوص، در قانون داخلی ایران می‌توان به ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که علیرغم این که بر طبق ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی قانونگذار عملیات مقدماتی جرم را شروع به جرم و از این جهت قابل مجازات ندانسته، اما ساخت یا تهیه وسایل ارتکاب جرم را که در حد عملیات مقدماتی است با هدف پیشگیری از وقوع جرم اصلی جرم‌انگاری کرده است. در اسناد بین‌المللی نیز در موارد مختلفی، از

۳- ماده ۲، بند «ج».

۱- همان، ماده ۲، بند «الف».



جمله در ارتکاب جرائم سازمان یافته، تشکیل و اداره گروه مجرمانه یا عضویت در آن جرم انگاری شده و مشمول مجازات‌ها و ضمانت اجرای کیفری قرار داده شده است (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۹-۱۷۸).

۴. از حیث پیش‌بینی ضمانت اجرا نیز باید گفت براساس ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان، تا وقتی قاچاق انسان از این حیث قابل مجازات است که عنوان همسانی در قانون مجازات اسلامی نداشته باشد والا در صورتی که عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، بر طبق قانون فوق، مجازات همان عنوان اعمال خواهد شد. به عبارت دیگر در صورتی که فعل مرتکب، عنوان خاصی در قانون مجازات اسلامی نداشته و شرایط مذکور در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان را داشته باشد، قاچاق انسان عنوان مستقلی است و در صورتی که مصداق افساد فی الارض نباشد، مجازات حبس دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا اموالی که وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است قابل اعمال خواهد بود.^۱ همچنین اسباب و وسایل اختصاص داده شده به امر قاچاق انسان نیز به نفع دولت ضبط خواهد شد.^۲

از سوی دیگر، براساس تبصره ۱ ماده ۳ در صورتی که شخص قاچاق شده کم‌تر از ۱۸ سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی مشمول مجازات افساد فی الارض نباشد، با اعمال تشدید خاص، مرتکب به حداکثر مجازات، یعنی ده سال حبس محکوم خواهد شد.^۳

نحوه نگارش ماده ۳ و تبصره یک آن به صورتی است که این گونه استظهار می‌گردد که جرم افساد فی الارض در ارتباط با قاچاق انسان فقط در صورتی قابل تحقق است که قربانی جرم قاچاق کم‌تر از ۱۸ سال تمام داشته باشد که این هم در موارد خاصی است که قانونگذار آن موارد را مشخص نکرده است، بلکه صرفاً مقرر داشته: چنانچه فرد قاچاق شده کم‌تر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا محاربه و افساد فی الارض مذکور در این تبصره فقط در موارد تحقق مواد ۲۷۹ یا ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی محقق می‌گردد؟ یعنی تنها در

۱- ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان: چنانچه عمل قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از دو تا دو سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب شده است، محکوم می‌شود.

۲- ماده ۸.

۳- ماده ۳، تبصره ۱.





صورتی که به هنگام قاچاق، مجرم مرتکب تجرید سلاح شود یا یکی از جرایم مصداق افساد با شرایط قانونی تحقق یابد؟ یا منظور از محاربه و افساد فی الارض امری اعم بوده، شامل سایر موارد که موجب ایجاد فساد در زمین می شود نیز می گردد؟ این که در تبصره، قانونگذار افساد فی الارض را به محاربه عطف کرده است بر تردید اطلاق این عنوان بر اعمال قاچاقچی می افزاید، به ویژه با توجه به تفسیر قانون به نفع متهم در تبصره فوق الذکر. به هر حال، تبصره مذکور از این حیث مورد تردید و اجمال جدی قرار گرفته، باعث سردرگمی قضات در خصوص موارد تحقق محاربه و افساد فی الارض در جرم قاچاق انسان گردیده است.

نکته دیگر این که مجازات افساد فی الارض در ما نحن فیه، هرچه باشد، قابل تردید است. قاچاق زنان و به کارگیری آنان در ارتکاب فحشا یا موارد دیگر، لزوماً مصداق یکی از مواد ناظر بر جرم محاربه یا افساد فی الارض نمی باشند. از سوی دیگر به اقتضای آیه ۳۲ سوره مائده^۱ اگرچه ممکن است استنباط اولیه این باشد که قتل کسی که مرتکب فساد بر روی زمین شد، جایز است و لکن با توجه به این که مصادیق فساد در آیه شریفه مشخص نشده است، نمی توان به صرف اطلاق فساد بر فعلی، مرتکب آن را مستحق قتل دانست؛ زیرا در عرف، ارتکاب اعمالی نظیر زنا، مساحقه، قوادی شرب خمر و توزیع و فروش آن و بسیار از جرائم دیگر مشمول عنوان فساد است؛ اما هریک مجازات های خاصی را در بر دارد و هیچ یک از موارد فوق جز در شرایط خاص، مثل تکرار سه یا چهار بار جرائم، یا به عنف بودن یا محصنه بودن زنا یا زنا با محارم و نظایر آن مشمول حکم قتل نیست. بنابراین، صدور حکم قتل در مواردی که فعل مرتکب قاچاق زنان، مشمول عنوان افساد است، بسیار مشکل می نماید، مگر این که قائل به نظر کسانی شویم که معتقدند گرچه در آیه ۳۳ سوره مائده افساد فی الارض عطف به محاربه شده است، لکن این عطف به معنای لزوم جمع دو عنوان یعنی محاربه بر وجه فساد نیست، بلکه با تحقق هریک از موارد محاربه یا افساد فی الارض، حکم مربوط قابل اعمال است (محمودی گیلانی، ۱۳۶۱: ۲۲۹ و حبیب زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۱ به بعد) و یا این که حکم آیه شامل افساد فی الارض است و نه محاربه و محاربه یکی از مصادیق افساد است^۱ (لنکرانی، ۱۴۰۶: ۵۰۳ و ۵۰۱ و مرعشی: ۴۶). به نظر می رسد قانونگذار نیز در وضع قوانین از همین دو نظر پیروی کرده است و در مواردی که حکم



۱- من قتل نفساً بغير نفس أو فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعاً ... (مائده، آیه ۳۲).



افساد فی الارض را تقنین کرده، و خصوصاً حکم به جرم مستغنی تحت عنوان افساد در قانون جدید مجازات اسلامی، بر همین دو مبنا رفتار کرده است.^۱

از سوی دیگر، از آنجا که قانونگذار این جرم را از جرائم شدید دانسته، برای کارمندان دولت و نهادهای وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیر دولتی که به نحوی از انحاء دخالتی در جرم داشته‌اند، اعم از مباشرت یا معاونت، علاوه بر مجازات‌های مذکور در ماده ۳ و تبصره ۲ آن، انفصال دائم یا موقت از خدمت نیز پیش‌بینی شده است.^۲ افزون بر این، برای معاونت در این جرم مجازات خاصی توسط قانونگذار پیش‌بینی شده که عبارت است از دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل وجوه حاصل از بزه یا مورد وعده معاون جرم.^۳

از جمله پیش‌بینی‌های این قانون ابطال پروانه و تعطیلی مؤسساتی است که به صراحت ماده ۵ به قصد ارتکاب جرائم موضوع این قانون تشکیل شده‌اند.^۴ گرچه این پیش‌بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تقویت می‌کند و از این جهت مناسب است، لکن از آنجا که فقط شامل مؤسساتی است که برای ارتکاب این اعمال تأسیس شده‌اند و شامل مؤسساتی نمی‌شود که پس از تأسیس به قصد انجام فعالیت‌های قانونی، عملاً درگیر ارتکاب این جرائم شده‌اند و عمده یا بخشی از فعالیت خود را در این گونه اعمال متمرکز کرده‌اند، قابل انتقاد است. از سوی دیگر در صورتی که جرائم دیگری توأم با قاچاق انسان محقق گردد، گرچه طبق قواعد، جرائم توأم همراه با قاچاق انسان موجب تحقق تعدد معنوی است و صرفاً مجازات جرمی اعمال می‌شود که دارای مجازات شدیدتر است؛^۵ ولی در راستای سیاست کیفری شدید، جمع مجازات‌ها اعمال می‌گردد و شخص مرتکب

۲- در این خصوص ر.ک: ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، ماده ۲ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، و ماده ۶ قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷ و

۳- ماده ۴.

۱- ماده ۳، تبصره ۳.

۲- ماده ۵.

۳- ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی.



علاوه بر مجازات مقرر در قانون مبارزه با قاچاق انسان به مجازات‌های مربوط به آن عناوین نیز محکوم می‌گردد.^۱

سرانجام در صورتی که جرم قاچاق انسان در خارج از قلمرو حاکمیت ایران ارتکاب یابد، ولی مرتکب تبعه ایران باشد، به دلیل شدید بودن جرم و با اعمال اصل صلاحیت شخصی، محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به این جرم را دارند و به دلیل تبعیت صلاحیت قضایی از صلاحیت تقنینی (آزمایش، ۱۳۶۵: ۱۰۱ و فرزانی: ۸۹)، قوانین ماهوی ایران از جمله قانون مبارزه با قاچاق انسان قابل اعمال خواهد بود. بر همین اساس قانونگذار در این خصوص مقرر کرده است که هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود.^۲ البته چنین تدبیری با توجه به این که در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص تمامی جرائمی که اتباع ایرانی در خارج از کشور مرتکب می‌شوند، پیش‌بینی شده و شامل قاچاق انسان نیز می‌شود، تدبیر مفیدی نیست و تحصیل حاصل می‌نماید؛ ولی در این جا مناسب بود قانونگذار در حمایت از قربانیان جرم تابع ایران که در خارج از کشور مورد قاچاق قرار می‌گیرند، ییگانگان مرتکب را براساس قواعد مربوط به اصل صلاحیت شخصی انفعالی مشمول تعقیب براساس قوانین ایران قرار می‌داد. هر چند با وجود ماده ۸ این مشکل رفع شده است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که گذشت قاچاق زنان یکی از تهدیدهای جدی عصر ما است که آثار و تبعات ناگوار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی داشته، کرامت انسانی و شخصیت زنان را نشانه گرفته است و به علت نبود قوانین جامع و مانع، نه در سطح ملی و نه در سطح بین‌المللی و عدم برخورداری قوانین موجود از ضمانت‌های اجرای کیفری، قاچاق زنان به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است و در اصطلاح از آن به بردگی مدرن تعبیر می‌شود.

برای مبارزه با این پدیده، مبانی فقهی و حقوقی (قوانین داخلی به‌ویژه قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب (۱۳۸۳) و اسناد بین‌المللی به‌ویژه مقاوله نامه‌های بین‌المللی و کنوانسیون‌های موجود



در خصوص قاچاق زنان از جمله کنوانسیون پالمو سال (۲۰۰۰) در خصوص موضوع مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است اگرچه مقاله‌نامه، اسناد و تعهد نامه‌های بین‌المللی سه موضوع حمایت و حفاظت از زنان در معرض خطر یا قربانی، بازگشت قربانیان به وطنشان و نظارت بر دفاتر کاریابی را مورد توجه و تأیید قرار داده‌اند، هیچ تدبیری در خصوص جرم‌انگاری مقرر نکرده‌اند. در نتیجه، تعهدنامه بین‌المللی راجع به جلوگیری و سرکوب خرید و فروش سفید پوستان^۱ در ۴ می ۱۹۱۰ به تصویب رسید. از جمله تدابیر این تعهدنامه جرم‌انگاری خرید و فروش زنان سفید پوست و عدم توجه به رضایت قربانیان جرم (مواد ۱، ۲ و ۳) به همراه لزوم تبادل اطلاعات کشورهای متعاقد و معاضدت‌های قضایی در این خصوص است که در دی ۱۳۱۰ به تصویب مقنن و دولت ایران نیز رسیدند. نکته قابل ذکر در خصوص مقاله‌نامه مذکور این است که صرفاً قاچاق زنان به قصد بهره‌کشی جنسی را جرم‌انگاری کرده؛ اما قاچاق زنان که با مقاصد دیگر از انواع بهره‌کشی ممکن است صورت بگیرد، همچنان دارای نقص تقنینی است.

علاوه بر این در قوانین داخلی تصریح شده که هرگاه جرم قاچاق انسان در خارج از قلمرو حاکمیت ایران ارتکاب یابد، ولی مرتکب تبعه ایران باشد، به دلیل شدید بودن جرم و با اعمال اصل صلاحیت شخصی، محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به این جرم را دارند و به دلیل تبعیت صلاحیت قضایی از صلاحیت تقنینی، قوانین ماهوی ایران از جمله قانون مبارزه با قاچاق انسان قابل اعمال خواهد بود. بر همین اساس، قانونگذار در این خصوص مقرر کرده است هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود.^۲ البته چنین تدبیری با توجه به این که در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص تمامی جرائمی که اتباع ایرانی در خارج از کشور مرتکب می‌شوند، پیش‌بینی شده است و شامل قاچاق انسان نیز می‌شود، تدبیر مفیدی نیست و تحصیل حاصل می‌نماید؛ ولی در این جا مناسب بود قانونگذار در حمایت از قربانیان جرم تابع ایران که در خارج از کشور مورد قاچاق قرار می‌گیرند، بیگانگان مرتکب



۱- International Convention of 4 May 1910 on the Prevention and Suppression of the White Slaves Trafficking



را براساس قواعد مربوط به اصل صلاحیت شخصی انفعالی مشمول تعقیب براساس قوانین ایران قرار می‌داد. هر چند با وجود ماده ۸ این مشکل رفع شده است.

علاوه بر این در رابطه با قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ نیز می‌توان یکی از عمده‌ترین ایرادات وارد بر این قانون را مربوط به مسأله حمایت از بزه‌دیدگان و پیشگیری از وقوع جرم دانست. حمایت از اشخاص بزه‌دیده در این قانون تا حدی نادیده گرفته شده و در مواد قانونی به آن تصریح نشده است. این امر تا حدی این شبهه را به وجود می‌آورد که اشخاص قاچاق شده، نه به‌عنوان بزه‌دیده، بلکه تا حدودی به‌عنوان بزه‌کار تلقی شوند که این نگرانی در مورد بزه‌دیدگان موجب خواهد شد مجنی‌علیه این جرائم از طرح موضوع با دستگاه‌های ذیربط خودداری کند.

از طرفی این امر باعث شد که نه تنها پیشگیری از جرم محقق نشود، بلکه راه برای شناسایی باندهای بزه‌کار از طریق راهنمایی بزه‌دیدگان کاملاً مسدود شود. امید است که قانون‌نگذار محترم هرچه بیش‌تر به این مسأله توجه کند.

از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که صرف اتخاذ تدابیر کیفری که ناظر به اقدامات پس از ارتکاب جرم است، آن هم صرفاً نسبت به مرتکب جرم، کافی نیست. برای مبارزه با ارتکاب این گونه جرائم، قبل از هر چیز پیشگیری امری حیاتی و لازم است. به عبارت دیگر باید در برخورد با این جرم «سیاست پیشگیری بهتر از درمان است» مورد توجه سیاستگذاران باشد؛ چرا که با اتخاذ تدابیر پیشگیری اجتماعی و وضعی باید از یک سو آگاهی‌های عمومی و میزان کف نفس را در افراد بالا برد و از سوی دیگر با خلع سلاح مرتکبان بالقوه جلو ارتکاب این گونه جرائم را گرفت. در این مسیر با شناسایی و کنترل زمینه‌های ارتکاب این گونه جرائم که بخش قابل توجهی از آن به خود قربانیان باز می‌گردد، به طور عملی با این جرائم مقابله خواهد شد. در مرحله بعد اتخاذ سیاست کیفری به‌عنوان آخرین راهکار و برای کیفر دادن مرتکبان این گونه جرائم امری لازم است که آن هم باید براساس مبانی سیاست کیفری اسلام صورت گیرد تا ضمن عدم انحراف از اصول کلی آن، با این گونه جرائم برخورد کیفری متناسب صورت گیرد. در عرض برخورد با مجرمان و سوءاستفاده‌کنندگان از وضعیت قربانیان لازم است از قربانیان این گونه جرائم حمایت‌های لازم و ویژه صورت گیرد؛ بدین معنا که با حفظ کرامت و شخصیت انسانی آنان، با اعاده وضعیت سابق و رهایی آنان از چنگال مجرمان، زمینه یک زندگی سالم برای آنان فراهم شود تا مجدداً در دام این باندها قرار نگیرند.





با توجه به موارد فوق در حالی که پروتکل سال ۲۰۰۰ تمامی این موارد را به طور نسبتاً مطلوب پیش‌بینی کرده است، قانون مبارزه با قاچاق انسان سال ۱۳۸۳ صرفاً به اتخاذ تدابیر کیفری اکتفا کرده و از تدابیر پیشگیرانه و حمایتی و سیاست جنایی متناسب غفلت ورزیده است، ضمن این که در اتخاذ سیاست کیفری نیز از مبانی متقنی بهره نبرده و در مواردی نیز ابهام‌آمیز و مجمل است.

منابع

قرآن کریم

۱. آزمایش، علی، ۱۳۶۵ش، «زمینه‌های حقوق جزای بین‌المللی در قانونگذاری ایران»، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ۳.
۲. السان، مصطفی، ۱۳۸۴ش، «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی (از منع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان)»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۱۶.
۳. اشتری، بهناز، ۱۳۸۰ش، قاچاق زنان بردگی معاصر، تهران، اندیشه برتر.
۴. اسعدی، سید حسن، ۱۳۸۶ش، جرائم سازمان‌یافته فراملی، نشر میزان.
۵. اردیلی، احمد بن علی، ۱۴۱۱ق، مجمع الفایده و البرهان، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۸.
۶. ترقی، محمد علی، ۱۳۵۴ش، فرهنگ خیام، تهران، کتابفروشی اسلامی، ج ۷.
۷. جعی عاملی، بی‌تا، زین العابدین، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، بیروت، دار العالم الاسلامی، ج ۹.
۸. حبیب زاده، محمد جعفر، ۱۳۷۹ش، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷۶ش، وسایل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۱۰. حلی، حسن یوسف بن مطهر، ۱۴۲۰ق، تحریر الاحکام، قم، مؤسسه الامام الصادق، ج ۲.
۱۱. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۶۶ش، مصباح الفقاهه، قم، حیدریه، ج ۶.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ش، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ج ۳.
۱۳. سرخسی، شمس الدین، بی‌تا، المبسوط، بیروت، دار المعرفه، ج ۱۵.





۱۴. شمس ناتری، محمد ابراهیم، ۱۳۸۰ش، سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان یافته با رویکرد به اسناد بین المللی، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین، ۱۴۱۴ق، مسالک الافهام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ج ۳۰.
۱۶. عالی پور، حسن، ۱۳۸۸ش، قاچاق زنان بزه‌ی بر ضد کرامت زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، س ۱۲، ش ۴۵.
۱۷. عبادی، شیرین، ۱۳۷۳ش، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، تهران، روشنگران.
۱۸. علی پور، عباس، ۱۳۸۹ش، بررسی وضعیت قاچاق انسان در ایران (معضلات و پیامدها) و ارائه راهکارهای مناسب برای کنترل این پدیده اجتماعی، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، س ۱، ش ۲.
۱۹. فرزانی، هوشنگ، ۱۳۸۱ش، حقوق جزای بین المللی، مجله کانون و کلا، ش ۱۴۱.
۲۰. کلاتری، کیومرث و زارعی، محمد، ۱۳۸۹ش، قاچاق زنان به قصد فحشا (از منظر فقه جزایی و حقوق کیفری)، س ۲، ش ۲.
۲۱. لنکرانی، محمد فاضل، ۱۴۰۶ق، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيله، کتاب الحدود، قم، مطبعه العلمیه.
۲۲. لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۰ش، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش.
۲۳. مرعشی، سید محمد حسن، ۱۳۷۰ش، افساد فی الارض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۲.
۲۴. مقدسی، محمد باقر، ۱۳۸۵ش، بررسی مساله قاچاق انسان و شناسایی چالش‌های حقوقی آن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، بی تا، مبانی تکمله المنهاج، نجف، مطبعه الآداب، ج ۱.
۲۶. موثقی، سید احمد و اسفندیاری، ۱۳۸۷ش، گلپر، «قاچاق انسان، بردگی در عصر جدید»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، ش ۳.
۲۷. نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۹۸۱م، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴۱.
۲۸. _____، ۱۳۶۷ش، جواهر الکلام، بیروت، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲۲.





۲۹. نوبهار، رحیم، ۱۳۸۵ش، قاچاق زنان برای روسپیگری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به

مقررات بین‌المللی و حقوق ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، ش ۳.

30. Trafficking in Women and Children: Mekong Sub-Region, p.2, in <http://www.unifem-eseasia.org/resouces / traffic2.htm>[2014/08/08].
31. International Convention of 30 September 1921 for the Suppression of the Traffic in Women and Children.
32. Cole, Helen (2009), "Human Trafficking: Implications for the Role of the Advanced Practice Forensic Nurse", J Am Psychiatric Nurses Assoc.
33. National Research Council Staff (1996), Understanding Violence against Women, National Academy Press, Washington DC, USA.

فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب

